

من یک زنم ۲ / من از ویرانه های دور شرقم / زنی که از آغاز با پای برهنه / عطش تند زمین را در پی
قطره ای آب درنوردیده است / زنی که از آغاز با پای برهنه / همراه با گاو لاغرش در خرمن گاه / از طلوع
تا غروب / از شام تا بام، سنگینی رنج را لمس کرده است / من یک زنم / از ایلات آواره دشت ها و
کوه ها / زنی که کودکش را در کوه به دنیا می آورد / و بزش را در پهنه دشت از دست می دهد / و به
عزا می نشیند / من مادرم / من خواهرم / من همسری صادقم / من یک زنم / زنی از ده کوره های
مرده جنوب / زنی که از آغاز با پای برهنه / سراسر این خاک تف کرده را / درنوردیده است / من از
روستاهای کوچک شمالم / زنی که از آغاز در شالیزارها و مزارع / تا نهایت توان گام زده است / من
یک زنم / کارگری که دست هایش / ماشین عظیم کارخانه را / به حرکت در می آورد / هر روز توانایش
را / دندان های چرخ ریز ریز می کند / پیش چشمانش / زنی / که از عصاره جاننش / پروارتر می شود
لاشه خونخوار / از تباهی خویش / افزون تر می شود سود سرمایه دار / زنی که مرادف مفهومش /
در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما / وجود ندارد / دست هایش سفید / قامتش ظریف / که پوستش
لطیف / و گیسوانش عطراگین باشد / من یک زنم / با دست هایی که از تیغ تیز درد و رنج ها / زخم
ها دارد / زنی که قامتش از نهایت بی شرمی شما / در زیر کار توان فرسا / آسان شکسته است /
زنی که در سینه اش / دلی آکنده از زخم های چرکین خشم است / زنی که در چشمانش / انعکاس
گل رنگ گلوله های آزادی / موج می زند / من یک زنم / زنی که مرادف مفهومش / در هیچ جای
فرهنگ ننگ آلود شما / وجود ندارد / زنی که پوستش / آینه آفتاب کویر است / و گیسوانش بوی دود
می دهد / تمام قامت من / نقش رنج و بیگرم تجسم کینه است / زنی که دستانش را کار / برای
سلاح پرورده است. / من زنی آزاده ام / زنی که از آغاز / پا به پای رفیق و برادرم / دشت ها را
درنوردیده است / زنی که پرورده است / بازوی نیرومند کارگر / دستان نیرومند برزگر / من خود کارگر!

من خود برزگر!